

• دریافت ۹۴/۰۷/۲۸

• تأیید ۹۴/۱۲/۱

بررسی و مقایسه مقوله فتوت و جوانمردی در متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری

سیده مریم ابوالقاسمی*

نسرین فخمی**

چکیده

فتوت و جوانمردی به معنای مجموع خصائل پسندیده مانند: ایثار، فداکاری، شفقت نسبت به دیگران و مراقبه احوال نفسانی، یکی از آیین‌های ارزشمند مردمی بوده که در طول قرن‌های متمادی با تکیه بر قدرت اجتماعی در ایران وجود داشته و تداوم یافته است. این آیین در ایران از پیشینه‌ای بس طولانی برخوردار است و قدمت آن به دوران قبل از اسلام می‌رسد. آیین فتوت و جوانمردی دارای دو رویکرد اجتماعی و فردی بوده و پیوسته اهل فتوت را در دو جنبه مختلف به سوی تکامل انسانی سوق داده است. فتوت در متون نثر عرفانی نیز به عنوان یکی از راه‌های وصول به حقیقت همواره مورد توجه بوده است. در این آثار به جوانب مختلف آیین فتوت از جمله جنبه‌های فردی، اجتماعی، الهی و نیز آداب و رسوم فتیان اشاره می‌شود. لیکن بیشترین توجه نویسندگان متون نثر عرفانی متوجه جنبه نظری آن است و به تعریف و تفسیر واژه فتوت پرداخته‌اند. در این پژوهش قصد داریم مقوله فتوت و جوانمردی را از دیدگاه اهل تصوف و نویسندگان متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل علمی قرار دهیم. روش تحقیق ما در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است.

کلید واژه‌ها:

اهل فتوت، متون نثر عرفانی، جوانمردی، حقیقت، اهل تصوف.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. abolghasemi2014@gmail.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

مقدمه

فتوت واژه‌ای است عربی که معادل فارسی آن جوانمردی است. در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های فارسی و عربی معانی مختلفی برای واژه فتوت عنوان گردیده که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ایثار، بذل و بخشش، فداکاری، جوانی و جوانمردی، سخاوت و ترک شکایت. این واژه به غیر از معنای لغوی معنای اصطلاحی هم دارد که در قاموس‌های فارسی و عربی بدان اشاره شده است (ر.ک. ~~پهلوی، دهخدا، ابن منظور، ذیل واژه فتوت~~).

معنای اصطلاحی واژه فتوت بیانگر چگونگی اعمال و رفتار اهل فتوت در اجتماع و نوع مرادفات فتیان با مردم است و این گروه را به عنوان تشکلی اجتماعی که ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری خاصی داشته‌اند معرفی می‌کند. همچنین این واژه علاوه بر معنای ای که برای آن برشمرده شد، معنای فردی، معنوی و عبادی نیز دارد که بیانگر نوع جهان بینی و نگرش معرفتی اهل فتوت بوده و چگونگی رابطه این گروه را با پروردگار عالم نشان می‌دهد.

اتفاقاً در متون نثر عرفانی نیز بیشتر بر همین معنای اخیر تأکید گردیده و نویسندگان این آثار که در بیشتر اوقات خود نیز از طایفه صوفیه بودند، فتوت را نیز مانند تصوف طریقتی تصور نموده‌اند که می‌تواند سالک را به سرمنزل مقصود هدایت کند. از نظر ایشان فتوت به عنوان عامل تطهیر کننده روح و نفس می‌تواند صاحب فتوت را از آرایش‌های نفسانی پاک نموده و او را به حقیقت ناب وجودی خویش متصل سازد. از آنجا که مشتقات واژه فتوت به شکل‌های ~~فتی، فیه، فیان، سر، سر، معانی، مخالف، قرآن، کریم، از جمله: کف، انبیاء،~~

و یوسف، خطاب به پاک‌ترین و والاترین شخصیت‌های معنوی والهی، همچون: حضرت ابراهیم و حضرت یوسف (علیهما السلام) و نیز اصحاب شریف کف آمد، نظر نویسندگان آثار عرفانی را دوچندان به خود جلب نموده و تقریباً همه ایشان به این موضوع اشاره نموده و واژه فتوت و اهل آن را به دلیل انتسابشان به شخصیت‌های قرآنی ارج نهاده و مقدس داشته‌اند.

قدیمی‌ترین اثری که می‌توان در آن از فتوت سراغی جست، کتاب الفتوة اثر محمد ابن ابی المکارم مشهور به ابن معمار حنبلی بغدادی است که به زبان عربی نگاشته شده او در این کتاب در باب نشانه‌های اهل فتوت معتقد است: در سنت اخباری در باب فتوت وارد شده و گزیده‌ترین آن‌ها از قول رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: جوانمردی امت مرا ده علامت است راستگویی و وفای به عهد و ادای امانت و ترک دروغ‌گویی و بخشودن بر یتیم و دستگیری سائل و بخشیدن آنچه رسیده است و بسیاری احسان و خواندن مهمان و سر همه آنها حیا است. ابن معمار حنبلی، ۱۳۳، ۱۹۹۸.

آیین فتوت و جوانمردی در تاریخ ایران دارای پیشینه‌ای بس طولانی است. در فتوت نامظ شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی پیشین‌گذار آیین فتوت به حضرت آدم(ع) و فرزند ایشان (شبیث) منسوب گردیده تا اینکه به عنوان ودیعه‌ای الهی به پیامبر گرامی اسلام (ص) عطا شده و در نهایت

گفتنی است آیین جوانمردی در ایران قبل از اسلام نیز به نحو بارزی وجود داشته است برخی از محققین منشاء آیین فتوت و عیاری را به دوران اشکانیان نسبت می‌دهند که این موضوع دال بر اهمیت و ارزشمندی آیین فتوت است. آنچه بر اساس کهن‌ترین اثر عیاری - پهلوانی (سمک عیاری) می‌توان گفت این است که آیین جوانمردی و در نتیجه عیاری سنتی است اجتماعی و بسیار کهن شواهدی که در داستان سمک عیاری وجود دارد ما را بر آن می‌دارد که باور کنیم اصل

در باب پیشینهٔ جوانمردی و فتوت دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که منشاء آن را به آیین مهر و مهر پرستی می‌کشاند در ایران پرستش مهر نه تنها به درون همهٔ طبقات راه یافت، بلکه باعث پدید آمدن الگوهای رفتاری و آیین‌های جدید شد؛ از جمله آیین جوانمردی و الگوهای پهلوانی مهری که در دوره اشکانی بسیاری با الگوی پهلوانی کهن دلد (رک، مؤذن جامی، و اربابی

هانری کرین از قول سعید نفیسی در کتاب سرچشمهٔ تصوف در ایران معتقد است که دلایلی هست مبنی بر اینکه بنیاد این آیین و مسلک به پیش از اسلام می‌رسد زیرا بسیاری از افکار مانویان در آن راه یافته است وانگهی در قرن دوم هجری که ایرانیان در گوشه و کنار مخصوصاً در مشرق و بیشتر در سیستان و خراسان در برابر بیدادگری‌ها و تعصبات نژادی امویان و دست نشاندهانشان در ایران بر خاستند راهنمایان این جنبش‌های مردانهٔ ملی بیشتر جوانمردان برکنان (کرین) در کتاب آیینی و رک نفیسی، سرچشمهٔ تصوف در ایران)

پس از اسلام نیز آیین جوانمردی، در تلفیق با مفاهیم کتاب الهی و سنت رسول گرامی اسلام(ص) جانی تازه گرفت و هرچه پربار تر در مسیر تاریخ جریان یافت و تا زمان حکومت صفویان همچنان شکل اصلی خود را حفظ نمود تا اینکه در دوره‌های اخیر به دلایل اجتماعی، سیاسی و مدنی اضمحلال یافت و تنها بازمانده اش امروزه در زورخانه‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد (رک، افشاری، - اما در متون نثر عرفانی تا پایان قرن ششم هجری

تعاریف و تفاسیر فراوانی در ارتباط با معنای واژه فتوت و مبانی نظری و اجتماعی آن بیان شده که ما در این مقال سعی نموده ایم تا مهمترین آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. لازم به ذکر است بررسی در این آثار برمبنای تقدّم و تأخر زمانی آنهاست

فتوت در کتاب اللمع فی التصوف

اللمع جزو نخستین و از مهمترین آثار صوفیانه است که توسط ابونصر سراج طوسی در اواسط قرن چهارم هجری، بین سالهای (... تا ... ه ق) نگاشته شده است. در این کتاب از قول احمد ابن عطا در مورد جوانمردی آمده: هر کاری را که برای خدا می‌کنی، زیاد ندانی و هر چه بیشتر کردی چنان نمایی که چیزی نکرده‌ای و اراده کنی که بیشتر انجام دهی. ابو نصر سراج

طوسی، ۲۶۲، ۱۳۸۲

مباحث این کتاب بیشتر در خصوص تصوف است لیکن از آنجا که نویسندگان این نوع آثار به نقل قول از اصحاب طریقت و مشایخ نیز می‌پردازند، در این کتاب نیز اقوالی از مشایخ تصوف نقل شده که از میان این اقوال، سخنی که ذکر گردید در خصوص جوانمردی بود. در گفتار احمد ابن عطا به موضوع ایثار کردن جان و مال اهل فتوت و نیز پنهان نمودن این ایثار اشاره شده است که البته بر ارزش معنوی آن می‌افزاید. در این کتاب توجه زیادی به موضوع جوانمردی نشده و نویسنده آن بیشتر به مسائل صوفیه اقبال نموده است.

فتوت در کتاب الفتوة، المقدمة فی التصوف و آداب الصحبة

کتاب الفتوة اثر ابو عبد الرحمن سلمی نیشابوری - ه ق) است این کتاب در ردیف کهن ترین رساله‌هایی است که درباره فتوت نوشته شده. سلمی در این کتاب اخلاق اهل فتوت را به تصویر می‌کشد و برای هر یک از آداب، حدیثی از پیامبر(ص) و یا سخنی از مشایخ ذکر می‌کند. در این کتاب در تعریف فتوت آمده: موافقت و حسن طاعت است و ترک کارهای زشت و همراهی با اخلاق‌های نیکو و زیبا در ظاهر و باطن و در نهان و آشکار، فتوت انواعی دارد که عبارت است از: فتوت در ارتباط با حق تعالی، نبی اکرم(ص)، صحابه پیامبر و بازماندگان از صحابه، مشایخ، برادران، خانواده و نزدیکان و فتوت در مورد کرام الکاتبین

(سلمی)، ج ۲، ۲۲۹

در کتاب الفتوة صفات فراوانی برای اهل فتوت برشمرده شده است که جهت پرهیز از اطالۀ

کلام به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم: اطمینان به ضمانت الهی در روزی رسانی، موافقت با برادران، رضا به تقدیرهای الهی، مشغول شدن به عیوب خود از عیوب دیگران، زنده نمودن باطن به وسیله ذکر و زنده کردن ظاهر به وسیله طاعت و عبادت، نزدیکی و صحبت با نیکان و دوری از صحبت شروران. افتادگی و تواضع نسبت به اهل ذکر و قبول حرف حق از ناصحان، بازگشتن بنده به سوی پروردگار در همه اسباب و اطمینان به خدا، شفقت و مهربانی و دلسوزی به مردم، دوری از آفات به وسیله ترک شهوات، بخل نورزیدن نسبت به آنچه موجوداست، تواضع و ترک تکبر با برادران، صبر کردن بر آزار خواهندگان، دوری گزیدن از حسادت و دورویی و کینه ورزی، احسان در مقابل بدی، حفظ زبان از دروغ و غیبت و چشم پرسی از تمام اعمال عمل و پایداری در همه احوال (همان

فتوت از دیدگاه سلمی به انواعی تقسیم می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از: فتوت در رابطه با خدا و فتوت در رابطه با خلق خدا بدیهی است بن مایه اصلی این نوع دیدگاه نسبت به موضوع فتوت، دین اسلام و کتاب قرآن است زیرا فتی در واقع یک مؤمن مخلص است و این هر دو (فتی و مؤمن خالص) از یک آبشخور که دین اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر(ص) است، سیراب می‌شوند. ضمن اینکه فداکاری در راه آسایش خلق نیز به عنوان یکی از اساسی ترین مباحی فتوت جلب نظر می‌کنند؛ از طرفی نوع تعامل و عبودیت فتی نسبت به پروردگارش ما را به یاد نحوه سلوک متصوفه و سیر معنوی ایشان در راه رسیدن به حق تعالی می‌اندازد. از آنجا که اهل فتوت و تصوف از دیرباز تاکنون ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته اند، متعاقباً نوع عملکرد و نحوه تعاملات آنها با خدا و خلق خدا نیز شباهت‌های فراوانی با هم دارد؛ از جمله اطمینان به ضمانت الهی در روزی رسانی، رضا به تقدیرهای الهی، زنده کردن باطن به وسیله ذکر و بازگشت و اعتماد به خدا به عنوان مسبب الاسباب اصلی، همه و همه بیانگر این مسئله است که فتی از دیدگاه نویسنده کتاب الفتوة یک مؤمن واقعی و یک صوفی صافی است. همچنین از مطالبی که در ارتباط با نحوه تعامل اجتماعی اهل فتوت در این توصیفات به چشم می‌خورد، می‌توان استنباط کرد که سلمی در تعریف فتوت بیشتر به جنبه‌های اجتماعی آن توجه داشته است که البته این مطلب نیز با نگاه دینی و قرآنی قابل تطبیق است.

در کتاب الفتوة فی التصوف در باب فتوت از قول عمرو بن عبید گفته شده: جوانمردی مرد کامل نمی‌شود مگر آنکه سه خصلت در او جمع شوند: قطع امید از سودرسانی مردم، تحمل اذیت و آزار مردم و دوست داشتن برای مردم آنچه را که دوست داری برای خود و گفته شده بر او روزی آید که کسی را به بدی یاد نکنی. (سلمی، ج

در کتاب **آداب الصحبة** نیز که در ردیف آثار ابو عبدالرحمن سلمی نیشابوری قرار دارد، از قول

این بزرگوار نقل شده: **المؤمن المصحح عن عثرات الاخوان (همان:**

گفتنی است در دو اثر اخیر از آثار سلمی نیشابوری، مطالب فراوانی در باب فتوت نمی‌توان یافت اما از همین تعاریف و مطالب اندک نیز می‌توان نتیجه گرفت که سلمی به فتوت عام نظر داشته است.

فتوت در کتاب نورالعلوم

شیخ ابوالحسن خرقانی از مشایخ بزرگ طریقت است که آراء و عقائدش توسط مریدانش در کتابی با عنوان نورالعلوم به ثبت رسیده است. در میان این آراء مطالب فراوانی در رابطه با جوانمردان وجود دارد به اعتقاد او: از خلقان بعضی به کعبه طواف کنند و بعضی به آسمان بیت المعمور و بعضی به گردش عرش و جوانمردان در یگانگی او طواف کنند. هر کس ماهی در دریا گیرد، این جوانمردان برخشک گیرند و دیگران کشت برخشک کنند، این طایفه بر دریا کنند. هر چه در لوح محفوظ است نصیب لوح و خلق است، نصیب جوانمردان نه آنست که به لوح در است و خدای متعال همه در لوح بگفت با جوانمردان چیزی گویند که در لوح نبود و کوهی نشاید آن بردن خدای تعالی قسمت خویش پیش خلقان کرد هر کسی نصیب خویش برگرفتند نصیب جوانمردان نماند بود (خرقانی،

به اعتقاد خرقانی جوانمردان به امور ظاهری مانند طواف کعبه که توجه مردمان را به خود جلب کرده، توجهی ندارند. انجام اعمال خارق العاده که دیگران از ارتکاب آن عاجزند و نیز کتمان سر از ویژگی‌های خاص جوانمردان است دنیا برای جوانمردان به منزله زندانی است که در این زندان چیزی جز اندوه دوری از خداوند وجود ندارد. از مجموع این توصیفات می‌توان چنین استنباط کرد که دیدگاه شیخ ابوالحسن خرقانی درباره جوانمرد به مراتب بالاتر از توصیفات است که در دیگر کتب نثر عرفانی آمده است: پرسیدند که جوانمرد به چه داند که جوانمرد است؟ گفت: بدانکه خداوند هزار کرامت با برادر او بکند و با او یکی کرده بود آن یک برادر بر سر آن نهاد تا آن نیر برادر او را نبود خرقانی

خرقانی در این توصیف به ارتباط جوانمرد با مردم پرداخته که معنای عمومی واژه جوانمرد را به خاطر می‌آورد و ضمناً این نکته را گوشزد می‌کند که جوانمرد دارای ابعاد شخصیتی گوناگونی است

فتوت در رساله قشیریّه

در باب سی و چهارم این کتاب در مورد فتوت گفته شده: بدانکه فتوت آن بود که بنده دائم در کار خویش مشغول بود. پیغامبر گفت: همیشه خداوند عزوجل در روایی حاجت بنده بود تا بنده در حاجت برادر مسلمان بود. فضیل گوید: فتوت اندر گذاشتن عنرات بود از برادران و گفته‌اند فتوت

آن بر کسی است که در کسی فضیلتی نبینی قشیری،

باتوجه به اینکه اقوال کتاب رساله قشیریّه منحصرأ نشأت گرفته از اندیشه نویسنده آن نیست، به صراحت نمی‌توان در مورد دیدگاه شخصی وی در باب فتوت و نوع نگرش او اظهار نظر نمود ولیکن از مطالب این کتاب که نشانگر نوع تعامل اهل فتوت با مردم است درمی‌یابیم که فتوت در این اثر تقریباً در همان معنای عام خود مطرح گردیده است.

فتوت در کتاب کشف المحجوب

کشف المحجوب نخستین اثر مستقل منثور عرفانی به زبان فارسی (البته پس از شرح التعرف) است که ابوالحسن علی بن عثمان هجویری آن را در سال ۳۷۰ در تصوف اسلامی به رشته نگارش در آورده است. این کتاب حاوی نوآوری‌ها و نوپردازی‌هایی است که آن را از دیگر آثار متمایز می‌کند. در این کتاب نشان و علامت جوانمردان سه چیز دانسته شده: علامت جوانمردان سه چیز بود: یکی وفایی بی‌خلاف و دیگر ستایشی بی‌جود و سدیگر عطایی بی‌سؤال اما وفای بی‌خلاف آن بود که اندر عهد عبودیت، بنده مخالفت و معصیت بر خود حرام دارد و مدح بی‌جود آن بود که از کسی نیکویی ندیده باشد، وی را نیکویی گوید و عطای بی‌سؤال آن باشد که چون هستی بود اندر عطا تمییز نکند و چون حال کسی معلوم شود وی را سؤال نفرماید. اما همه خلاص اندرین سه صفت

زیادتر این است. (هجویری،

از این تعاریف چنین استنباط می‌شود که هجویری جوانمرد را حائز صفاتی می‌داند که آن صفات اصلالتاً از آن حق تعالی است و لازم است که جوانمرد نیز به آن صفات آراسته باشد. همچنین مقصود هجویری از وفای بی‌خلاف، همان مقام تسلیم و رضاست که برای صاحب فتوت ضرورت دارد که در هر حال تسلیم امر خداوند باشد.

فتوت در کتاب طبقات الصوفیه

به اعتقاد خواجه عبدالله: فتوت به جوانمردی و آزادی زیستن است و اخلق و واحق و واخود.

آنچه واجب است به توان خود در بندگی بکوشی و آنرا پاداش و جزا نجویی و از خود بنپسندی و واخلق: به عیب که از خود دانی بنیفکنی و بر خود فضل ننهی و برادران خود را به از آن خواهی که خود را و عیب ایشان را عذر و تأویل جویی و جرم به سوی خود بیفکنی و تسویل نفس خود را از ایشان دری: نیایی (خواجه عبدالله انصاری،

خواجه عبدا فتوت را در آزادگی نسبت به مردم، خود و خدا منحصر می کند بخشی که با خداوند در ارتباط است، جنبه تعبدی و دینی جوانمردی را نشان می دهد که نوعی ارتباط فردی است با خداوند و بندگی خالصانه که فرد هیچگونه اجر و مزدی در عوض طاعات و عبادات خود طلب نکند زیرا حق تعالی خود روش بنده پروری را می داند. از دیگر صفاتی که در این تعریف به آنها اشاره شده است، دوری کردن از خودخواهی و خودنمایی و گذشتن از گناه و لغزش دیگران است که می توان اینگونه استنباط کرد که در این دیدگاه بیشتر جنبه های اجتماعی جوانمردی که همان آزادگی و ایثار و فداکاری برای مردم است، جلب توجه می کند

فتوت در کتاب رسائل

کتاب رسائل از جمله آثار خواجه عبدا... انصاری است این کتاب حاوی رساله های مختلفی در باب ها و موضوعات گوناگون تصوف است در رساله مقولات در مورد جوانمردان آمده: حق تعالی دنیا را بیافرید و بر قومی بیاراست و گفت این جای بلاست و آخرت را بیافرید و بر قومی بیاراست و گفت این نشان عطاست و خود را بر قومی بیاراست و گفت ای جوانمردان دو گیتی از آن ماست. یکی را همت بهشت و یکی را دوست. فدای اویم که همتش اوست. (خواجه عبدالله انصاری،

در این توصیف دیدگاه های مختلفی وجود دارد؛ نخست دیدگاه دینی که معتقد است: الدتیا سجن المؤمن و نیز موضوع بهشت و جهنم که در قرآن و دیگر کتب آسمانی مطرح گردیده و همواره طالبان عافیت خواستار لذت های بهشتی هستند بهشت درجاتی دارد و بندگان نیک کردار به نسبت اعمال خود از نعمت های بهشتی بهره مند می گردند

دیدگاه دوم، دیدگاهی عرفانی است که معتقد است که عارفان و طالبان حقیقی خداوند هیچ گاه به لذت های دنیوی و اخروی همچون جاذبه های بهشت و زیبایی های خیره کننده آن فریفته نمی شوند چرا که منظور آنان مقام قرب الهی است، طالبان بهشت اهل معامله با خدا هستند و البته به فکر سود و زیانند حال آنکه جوانمردان برای خود موجودیتی در مقابل حق تعالی قائل

نیستند که به فکر سود و زیان باشند آنها طالب حضرت دوست هستند و در مقابل چنین مقامی لذت‌های دیگر خودنمایی نخواهد کرد. نکته قابل توجه دیگر شباهت دیدگاه خواجه با شیخ ابوالحسن خرقانی است شیخ خرقانی جوانمرد را انسان کاملی تلقی می‌کند که فقط طالب قرب الهی است خواجه عبدا... نیز چنین نگرشی دارد. عجلتاً می‌توان به این نتیجه رسید که خواجه عبدا... در این تعریف متوجه جنبه‌های عرفانی و دینی واژهٔ جوانمرد بوده و بالاترین مقام‌ها را که قابل مقایسه با مقامات انبیاء و اولیاست برای جوانمردان قائل شده است.

فتوت در کتاب منازل السائرین

در این کتاب برای اهل فتوت سه درجه در نظر گرفته شده است. به اعتقاد خواجه عبدالله در درجهٔ سوم سالک راه حق لازم است در راه رسیدن به مقصود محتاج دلیل و برهان علمی و منطقی نباشد وی جوانمرد یا اهل فتوت را چون سالک راه حق می‌داند. از جمله راههایی که برای معرفت الهی معرفی شده راه فلاسفه، اهل علم و به اصطلاح راه استدلال است. دیگری راه معرفت شناخت قلبی است که عرفان نامیده می‌شود البته اهل تصوف و عرفان و بزرگان این مسلک این راه را نزدیکترین و مطمئن‌ترین راه وصول به حق تعالی معرفی می‌کنند لذا از دیدگاه خواجه عبدا... جوانمرد باید بدون دلیل راه و برهان منطقی و علمی و البته از راه پالایش نفسانی و معرفت قلبی و صیقل دادن دل به حقیقت دست یابد خواجه، عدم چشمداشت به پروردگار را در ردیف صفات خاص اهل فتوت برمی‌شمارد و این موضوع با تعریف جوانمردی در معنای عام آن هماهنگ است خواجه در تعریفی که از جوانمرد در کتاب منازل السائرین خود ارائه داده بیشتر به جنبه‌های درونی فتوت و جوانمردی که همانا ارتباط قلبی با حق تعالی از طریق پالایش درونی و توسل به دین و تقوی و سیر و سلوک عرفانی است، توجه نشان داده، ضمن اینکه به جنبه‌های

عرفانی آن نیز اشاره کرده است (رک خواجه عبدالله انصاری،

فتوت در کتاب صد میدان

در این کتاب نیز میدان چهارم به موضوع فتوت اختصاص داده شده است: از میدان انابت، میدان فتوت زاید. قوله تعالی: *انهم فتية آمنوا بربهم فتوت چیست؟ به جوانمردی و آزادی*

زیستن. به اعتقاد خواجه فتوت سه قسم است: قسمی با خلق، قسمی با خود و قسمی با حق.

(رک همان،

فتوت در کتاب تمهیدات

عین القضاة همدانی کتاب تمهیدات را در سال ... به رشته تحریر درآورد. در این کتاب به صورت صریح و مستقیم دیدگاه عین القضاة درباره فتوت و جوانمردی به چشم نمی خورد لیکن در خلال مطالب آن واژه فتوت و جوانمردی مورد استفاده قرار گرفته می توان به طرز نگرش این عارف بزرگ نسبت به آن پی برد: درینجا منصور حلاج از اینجا گفت: ما صحت الفتوة الا لاحمد و ابلیس درینجا چه می شنوی؟ گفت: جوانمردی دو کس را مسلم بود؛ احمد و ابلیس را. جوانمرد و مرد رسیده، این دو آمدند. دیگران خود جز طفل راه نیامدند. این جوانمرد، ابلیس می گوید: اگر دیگران از سیلی می گریزند، ما آنها بر گردن خود گیریم و نیز گفت: ما را چون معشوق اهل یادگار خود کرد، اگر گلیم سیاه بود و اگر سفید هر دو یکی باشد و هر که این فرق داند، در عشق هنوز خام است. از دست دوست چه عسل چه زهر، چه شکر چه حنظل، چه لطف چه قهر، آنکس که عاشق لطف بود یا عاشق قهر، او عاشق خود باشد نه عاشق معشوق، درینجا چون سلطان، قبا و کلاه خاص کسی را دهد، این بس باشد، باقی در حساب عاشقان نیست. (عین القضاة، ...)

عین القضاة مهمترین ویژگی جوانمرد را در صفت عاشقی او منحصر دانسته و معتقد است برای جوانمرد عاشق، تحمل درد و اندوه ناشی از عشق آسان است. او رنج عشق را به جان میخرد و شکوه ای سرنمی دهد. جوانمرد، مرد رسیده و کامل است و به نظرمی رسد که عین القضاة کلمه جوان را در واژه جوانمرد به معنی رسیده و کامل در نظر گرفته و مقصودش از رسیده، رشد معنوی تا مرحله تکامل است که مرتبه ای بالاتر از آن نیست که همان مرتبه انسان کامل است.

عین القضاة درباره مقوله عشق و جوانمردی معتقد است: درینجا! بیم آنست که عشق پوشیده درآید و پوشیده بیرون رود و کس خبر ندارد عشق حقیقی نمی گویم آن عشق می گویم که از آن ذره ای در دنیا آمد و بیم آنست که همچنان بکر و پوشیده با جای خود رود! عشق الهی بر دو طرف قسمت کردند؛ نیمی جوانمردی برگرفت و نیمی جوانمردی دیگر. اینجا منصور چنین بیان می کند که: ما صحت الفتوة لاحد الا لاحمد صلعم و لابلیس. احمد ذره ای بر موحدان بخش کرد مؤمن آمدند؛ ابلیس ذره ای بر مغان بخش کرد، کافر و بت پرست آمدند. از آن بزرگ ... (همان، ...)

در این توصیف نیز عین القضاة عشق را لطیفه ای پنداشته که ذره ای از آن در روز ازل به

جوانمردان هدیه شده است. از میان تمام دیدگاه‌هایی که نسبت به مقوله جوانمردی تاکنون در این تحقیق ارائه گردیده، دیدگاه عین القضاة از نظر جسارت و شجاعت در بیان اعتقادات شخصی از اهمیت و برتری خاصی برخوردار است؛ ضمن اینکه بصیرت و آگاهی وی نسبت به موضوع مورد بحث و تصویری که از آن به نمایش گذاشته، بیانگر عمق اندیشه عرفانی، دینی و فلسفی اوست.

در کتاب **نامه‌های عین القضاة** نیز دیدگاهی مشابه تمهیدات بیان شده است: زهی! حلاج می‌گوید: ما صحت الفتوة لاحد الا لابلیس و احمد، بار خدایا! ما ترا به علت رحمت نپرستیم، ما در عبودیت شرط کار نگه داریم چنانکه خواهی می‌کن! هر چه تو کنی، ما بدان رضا داده ایم، اگر از لعنت تو دیگران می‌گریزند، ما را لعنت تو تاج سر است و طراز آستین (عین القضاة،

فتوت در کتاب کشف الاسرار

این کتاب تفسیر قرآن است که در سال هجری به وسیله ابوالفضل میبیدی به رشته نگارش درآمده است. در این تفسیر نیز در تأویل واژه جوانمردان و اعمال خرق عادات ایشان آمده: یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا گفته‌اند فرار دو قسم است: یکی از خلق بگریختن و دیگر با حق گریختن و نه هر کس با حق تواند گریخت مگر کسی که عیان او را بار دهد؛ چنانکه آن جوانمرد که بر بویزد بسطامی شد و از وی پرسیدند که: ما سهام ...؟ گفت: آن سهام حق که دل‌های درویشان نشانه آنست چیست؟ آن جوانمرد این بگفت و سر در جنبانید. بویزد گفت: این سؤال تو نیست گفت چرا؟ گفت: این سؤال حضرتیان است و من به ... بودم و تو را بر آن درگاه ندیدم آن جوانمرد گفت: زهمار در غلطی من بر درگاه بودم عیان مرا بار داد تو بر در ماندی از حال من چه خبر داری گفت: این را نشانی هست؟ گفت نشانش آنست که اینک به درگاه می‌شوم، بیار اگر شغلی داری تا پایمردی کنم. این بگفت و کالبد خالی کرد. بویزد گفت: آه که غوث جهان بود، اما در پرده غیرت بود و این وصف بر سر آن کریم است (میبیدی، ج ...)

این عبارات نشانگر عظمت مقام جوانمردان در نزد خداوند است و بیانگر آنکه سالک راه حق لازم است تنها نظر به سوی پروردگار خود داشته باشد از پریشانی خاطر و آشفتگی‌های درونی و روحی بگریزد و دل خود را از غیر خدا بیالاید. لیکن سالک همانطور که از دنیا و لذات آن

می‌گریزد لازم است این گریز هدفی متعالی داشته باشد و قدم به قدم او را به سوی مقصد نهایی که همانا اتصال به حق و حقیقت است رهنمون شود و اگر غیر از این باشد، سالک گرفتار گمراهی شده و از مقصد اصلی بازمی‌ماند. نکته ظریف دیگر اینکه گریز به سوی حق تعالی با توفیق و عنایات خاص الهی صورت می‌گیرد و این موضوع به استعداد درونی و معنوی و روحی خاص سالک بستگی دارد. در حکایتی که به بیان گفتگوی بایزید بسطامی و جوانمرد پرداخته، متوجه می‌شویم که از نظر نویسندگان اسرار جوانمردان در مقام عین الیقین قرار دارند لیکن هیچکس به غیر از پروردگارش بر این موضوع واقف نیست زیرا هر کسی نمی‌تواند محرم راز باشد و غیرت الهی نیز مانع از این است که مردمان عادی بتوانند آنها را بشناسند. افرادی که صاحب این مقام هستند، به آسانی به مقام والای خود دست نیافته‌اند (جوانمردان) اهل ادعا نیستند و همواره سعی در کتمان احوال خود دارند و پیوسته مراقب هستند که مبادا آفات نفسانی، دل و روح آنان را بیالاید و به همین خاطر پیوسته در حال محاسبه نفس‌اند.

فتوت در کتاب اسرار التوحید

در این کتاب برای بیان این موضوع، در این کتاب را در اواخر قرن ششم (به رشته تحریر درآورده است در این کتاب از قول شیخ آمده: شیخ ما را پرسیدند: ای شیخ! ما الفتوة؟ شیخ گفت: ان ترضی لاخیک ما ترضی لنفسک. پس گفت: حقیقة الفتوة ان تعذر الخلق فی ترضی لنفسک. شیخ ما را پرسید که: فتوت چیست؟ شیخ ما گفت: صاحب همتی باید تا با وی فتوت توان گفت. پس گفت: زلة صاحب الهمة طاعة و طاعة الصاحب المنية زلة. فتوت و شجاعت و لطافت و ظرافت نبات‌هایی است که در بستان کشتش روید و در بستان کوشش نمازهای دراز بود و روزه‌ها و گرسنگی‌ها و بیداری‌های شب و صدقه بسیار. هر چه کوشش اثبات می‌کند، کنش محو می‌کند. (همان:

در این عبارات نکاتی قابل توجه است: نخست اینکه این توصیف هماهنگی کامل با حدیث پیامبر (ص) دارد که فرمودند: هر آنچه را که برای خود می‌پسندید برای دیگران نیز بیسندید. توصیف دوم اشاره به چشم پوشی از عیوب دیگران دارد که به این موضوع نیز در احادیث نبوی اشاره شده است. در عبارات دیگر شیخ ابوسعید که فتوت را حاصل کشتش و جاذبه روحانی از ناحیه حق تعالی تلقی می‌کند و نه کوشش شخصی، می‌توان استنباط کرد که از دیدگاه شیخ اهل

فتوت انسان‌هایی هستند با ویژگی‌های روحی و معنوی خاص که مورد عنایت ویژه خداوندند و حق تعالی آنان را تحت حمایت خود دارد و به سوی خویش فرا می‌خواند.

فتوت در کتاب عوارف المعارف

کتاب عوارف المعارف از آثار شیخ شهاب الدین عمر سهروردی است که از امتهات کتب صوفیه و مشتمل بر شصت و سه باب است. وی در این کتاب معارف ذوقی اهل طریقت را با رسوم و قواعد اهل شریعت در هم آمیخته و نیز به آداب سیر و سلوک عارفان و سنن و معارف صوفیان پرداخته است. در این اثر در تعریف فتوت آمده: فتوت و جوانمردی آنست که گناه بر برادران و دوستان عفو کنند و حظ‌های خود فدای حظ‌های ایشان کنند در موافقت رضای حق تعالی و رسول اکرم (ص) فرموده است: مکارم اخلاق آنست که عفو کند از انکس که بر وی ظلم کند و بیوندد بر انکس که از او می‌برد و عطا دهد بدان کسی که از او منع می‌کند. سهروردی،

البته در این توصیف نکته تازهای به چشم نمی‌خورد. الا اینکه سهروردی در واقع جوانمردی را پیروی از سنت رسول (ص) تلقی کرده لذا در پی تعریف از آیین جوانمردی و صفات ایشان بلافاصله حدیثی از پیامبر (ص) نقل نموده است.

فتوت در کتاب تذکرة الاولیاء

این کتاب در اواخر قرن ششم هجری توسط فریدالدین عطار نیشابوری تألیف شده است. در میان اقوال و حکایات ذکر شده در این کتاب نیز مطالبی در رابطه با جوانمردی وجود دارد: علامت جوانمرد سه چیز بود: یکی وفایی بی‌خلاف، دوم ستایشی بی‌جود، سوم عطایی بی‌سؤال (عطار،

و گفته: لیثار زاهدان به وقت بی‌نیازی بود و ایثار جوانمردان به وقت حاجت جوانمردان راحت خلقند نه وحشت خلق که ایشان را صحبت با خدا بود از خلق و از خدای به خلق بنگرند. اهل بهشت به بهشت فرود آیند و اهل دوزخ به دوزخ، پس جای جوانمردان کجا بود؟ که او را بی‌نیاز برده کرد دنیا و نه در آخرت. (همان:

در این عبارات که از قول برخی از مشایخ طریقت نقل گردید، به ویژه در توصیف اول و دوم، بیشتر همان جنبهٔ عام فتوت که ایثار و فداکاری است مدنظر قرار گرفته ولی در توصیف آخر

صحبت از جایگاه جوانمردان در آخرت به میان آمده که بیانگر ویژگی‌های ممتاز جوانمردان از لحاظ معنوی است که در بهشت و دوزخ - که جایگاه بندگان گناهکار و اهل صواب است - قرار نمی‌گیرند و به ناچار باید به مقام قرب الهی که بالاترین مقام هاست ارتقاء پیدا کنند. در ادامه به بررسی توصیفات دیگر این کتاب در باب فتوت از دیدگاه برخی مشایخ می‌پردازیم: اصحاب الکهف را خداوند در کلام خود به جوانمردی ذکر فرمود که ایشان ایمان آوردند به خدای عزوجل بی واسطه. فتوت متابعت سنت است. سرمایه عبادت زهد است در دنیا و سرمایه فتوت رغبت است در آخرت فتوت مراعات نیکو کردن و بر موافقت دائم بودن و از نفس خویش به ظاهر چیزی نادیدن است که مخالف آن بود باطن تو. فتوت حقیر داشتن نفس است و بررکنان مسلمانان (عطار) و

در میان این اقوال، قول سهل بن عبد... که فتوت را متابعت سنت می‌داند حائز اهمیت است و بیانگر این موضوع که اصول اخلاقی فطیان همان اصول اخلاقی دین و سنت رسول اکرم (ص) است و همانطور که علی (ع) شاه مردان بوده است، لازم است تا اهل فتوت از ایشان به عنوان الگو و نمونه جوانمردی و نیز از دین و سنت پیامبر (ص) به عنوان شیوه و روشی که می‌تواند جوانمردان را به مقام اعلائی معنوی برساند کمک و یاری طلبند. در توصیفی که در آن به اصحاب کهف اشاره شده چند نکته قابل توجه است؛ نخست اینکه: حق تعالی به دلیل اینکه اصحاب کهف بی واسطه به خداوند ایمان آوردند آنان را فتی امیده است که بیانگر آنست که ارزش ایمان و معرفت قلبی در نزد حق تعالی از اهمیت فراوانی برخوردار است و نکته آخر اینکه در قرآن که کتابی آسمانی است، لفظ فتی مترادف با ایمان قلبی است. یکی از صفات مهم و بنیادی جوانمرد و اصولاً اساسی ترین صفت جوانمرد همان ایمان قلبی بی واسطه است. در کلمه بی واسطه نکاتی نهفته است؛ از جمله اینکه: ایمان قلبی نیازی به دلیل و منطق و برهان‌های علمی و فلسفی ندارد چرا که صفای باطنی و شعور و معرفت معنوی و صداقت درونی و همه و همه در صورتیکه در انسان جمع بشوند صفت خداجویی در او بیدار خواهد شد و او را به سوی پروردگارش هدایت خواهد نمود. همانطور که در مورد اصحاب کهف اتفاق افتاد و خداوند آنان را جوانمرد فتی نامید. در این توصیف به جنبه‌های درونی فتوت که همان گرایش‌های اصیل معنوی به سوی آفریدگار جهان هستی است توجه شده است.

شبهی در توصیف جوانمردان معتقد است علما گویند که ما وارثان رسولیم که آنچه رسول را بود، بعضی ما داریم؛ رسول درویشی اختیار کرد و درویش بودن اختیار ماست؛ با سخاوت بود و با

خلق نیکو بود و بی خیانت بود، با دیدار بود، رهنمای خلق بود، بی طمع بود، شر و خیر از خداوند دید، با خلقتش غش نبود، اسیر وقت نبود، هر چه خلق از او بترسند، نترسید و هر چه خلق بدو امید داشتند، نرسید. (همان: ...)

شبلی در این توصیف، جوانمردان را با رسول اکرم (ص) که دارای مقام اعلای دینی و معنوی و معرفتی است، مقایسه نموده است و اعتقاد دارد: بعضی از صفات آن حضرت در جوانمردان نیز نمود یافته است. با اندکی دقت در صفاتی که بدان اشاره شده، از جمله: درویشی، سخاوت، نیکویی با خلق، عدم خیانت، هدایت خلق، بی طمع بودن، صدق و صفا و ... می‌توان نتیجه گرفت که شبلی ارزشمندترین صفات را که اگر در شخصی متبلور شود او را به درجات عالی مقام انسانی می‌رساند، برای جوانمرد قائل شده که هم جنبه‌های درونی و هم جنبه‌های بیرونی و ظاهری فتوت را در بر گرفته است.

مقایسه متون نثر عرفانی از نظر نوع نگرش به موضوع فتوت

در این بخش با توجه به شواهدی که درخصوص نگرش متون نثر عرفانی نسبت به موضوع فتوت عنوان گردید اجمالاً مقایسه‌ای صورت گرفته تا بر مبنای آن اتفاق و یا اختلاف نظرات و احیاناً نوپردازی‌های متون نثر در این زمینه بهتر معلوم شود. در این قسمت نیز تقدّم وتأخّر زمانی تألیف آثار مدّ نظر ماست. ابتدا از کتاب **اللمع فی التصوف** آغاز می‌کنیم: در این کتاب به مباحث و تعاریف نظری توجه شده است؛ از جمله به مسئله اینار که یکی از مبانی فکری مهمّ اهل فتوت است چنین به نظر می‌رسد که خلوص نیّت و اینار و از خودگذشتگی و فداکاری برای دیگران از جمله صفات مهمی بوده که از همان ابتدا نظریه پردازان در تعاریف خود از جوانمردی به این صفات به طرق مختلف اشاره نموده‌اند. گفتنی است در این کتاب به مسائل رفتاری جوانمردان در اجتماع و نحوه سلوک آنان با دیگران و نیز آداب رسوم ایشان توجهی نشده است.

در بررسی تعاریفی که سلمی در کتاب **الفتوة** در باب فتوت ارائه می‌دهد و در آن به ترک کارهای زشت و همراهی با اخلاق نیکو در ظاهر و باطن اشاره نموده، می‌توان فتوت را از نظر سلمی، نوعی پالایش ظاهری و باطنی در نظر گرفت؛ پالایشی که شخص فقی را از تمام صفات زشت و ردایل اخلاقی تطهیر نموده و او را آماده می‌سازد تا بتواند در ارتباط با خدا و نبی خدا و صحابه رسول (ص) و نیز برادران و خانواده و نزدیکان، رفتاری انسانی و سازنده و متناسب با ...

می‌توان چنین دریافت که وی به عنوان یک انسان کامل به فتی نگریسته و انتظاراتی که از او دارد مؤید این مدعاست. سلمی در کتاب الفتوة و در توصیفات خود از اهل فتوت تمام رویکردهای اجتماعی، دینی، اخلاقی، الهی و فردی یک فتی را در نظر گرفته و او را شخصیتی کامل در تمام جوانب فردی، الهی و اجتماعی معرفی می‌نماید.

از آنجا که کتاب الفتوة در قرن چهارم نگارش یافته و از نظر زمانی به روزگار پیامبر (ص) و صحابه گرامی او نزدیک بوده، به طور طبیعی رنگ دینی و مذهبی بیشتری به خود گرفته است؛ چنانکه نویسنده در پایان هر نکته اخلاقی که ذکر نموده به حدیثی از پیامبر (ص) و یا امامان علیه السلام نیز استناد جسته و این موضوع نمایانگر این است که سلمی در تصویر و تجسم بخشیدن به اهل فتوت الگوی رفتاری قرآن و سنت رسول (ص) را پیش چشم داشته است.

همچنین باتوجه به شواهدی که از کتاب نورالعلوم در این پژوهش ارائه گردید، چنین به نظر می‌رسد که فتوت از دیدگاه خرقانی رنگی کاملاً عرفانی دارد و اصولاً جوانمرد از نظر شیخ همان عارف و انسان کامل است. در این کتاب به مسائل اجتماعی و نحوه عملکرد جوانمردان در جامعه و آداب و رسوم اهل فتوت اشاره نشده است. در مورد دیدگاه خرقانی راجع به مقوله جوانمردی می‌توان استنباط نمود که مقصود شیخ از عنوان کردن لفظ جوانمرد، ارائه شخصیتی تکامل یافته و به حقیقت پیوسته است. شیخ ابوالحسن در نورالعلوم در صدد اظهار مکنونات قلبی و تجربیات معنوی ای بوده که در طی سالهای سیر و سلوک در وادی معرفت بدست آورده و بهترین موصوفی را که می‌توانسته برای صاحب این صفات و تجربیات ارزشمند معنوی انتخاب کند واژه جوانمرد است. در مقام مقایسه کتاب نورالعلوم به عنوان یک نمونه نثر عرفانی قرن چهارم با کتاب الفتوة به عنوان یک اثر که بطور ویژه در خصوص اهل فتوت نگارش یافته می‌توان ادعان کرد که: کتاب الفتوة در مورد مسائل مختلف اهل فتوت است و تقریباً تمام جوانب نظری و اجتماعی اهل فتوت را مدنظر داشته است. حال آنکه نورالعلوم به عنوان کتابی عرفانی از این ویژگی‌ها برخوردار نیست و اگر هم لفظ جوانمرد در آن بکار رفته، نه بدان خاطر است که شیخ خرقانی قصد آن داشته که ویژگی‌های اهل فتوت را بیان کند، بلکه وی لفظی بهتر از جوانمرد را برای شخصیت تکامل یافته انسان و نیز مرد راه حق نیافته و جوانمرد از نظر او ارزشمندترین انسان محسوب می‌شود.

در رساله قشیریّه آراء و عقائد صوفیان و مشایخ بزرگ در باب فتوت ذکر شده است. در این کتاب برخلاف کتاب نورالعلوم که بیشتر به جنبه‌های عرفانی و معنوی جوانمرد پرداخته، به

جنبه‌های اخلاقی و نیز نوع عملکرد اجتماعی اهل فتوت توجه شده است و این موضوع کاملاً منطقی و عقلانی است. زیرا که در رسالهٔ قشیریّه یک باب به فتوت اختصاص یافته و بدیهی است نویسنده قصد داشته فتوت را در معنای اصطلاحی آن معرفی نماید و طبیعی است که باید از نظرات و آراء گوناگونی برای رسیدن به مقصود خود استفاده کند.

در کتاب **کشف المحجوب** که به صورت اجمالی به این موضوع نگریسته در مقایسه با کتاب الفتوة، نورالعلوم و رسالهٔ قشیریّه توجه چندانی به موضوع فتوت و جوانمردی نشده و در مورد مسائل مختلف اهل فتوت از جمله آداب و رسوم ایشان و مسائل اجتماعی و امور دیگر مربوط به فتیان سخنی به میان نیامده است البته در بخش معرفی مشایخ صوفیه در کتاب کشف المحجوب از بیسی از مشایخ صوفیه با عناوین جوانمردان طریقت و جوانمردان مشایخ یاد شده است که بیانگر این موضوع است که هجویری بین متصوفه و جوانمردان متصوف تفافوت قائل بوده است و متعاقباً نشانگر اینکه اهل فتوت در زمان وی از موقعیت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

در کتاب **طبقات الصوفیه** خواجه عبدا... انصاری نیز مانند کتاب کشف المحجوب، باب ویژه‌ای به فتوت اختصاص داده نشده ولیکن در میان اقوال مشایخ صوفیه و ارباب فتوت می‌توان به مطالبی دست یافت زیرا تصوف و فتوت از همان آغاز با یکدیگر آمیختگی داشته‌اند و از یکدیگر جدا نبوده‌اند و بویژه در متون نثر عرفانی تا قرن ششم این آمیختگی بیشتر به چشم می‌آید. در توصیف خواجه عبدا... از مقولهٔ فتوت و جوانمردی در مقایسه با توصیف هجویری می‌توان به شباهت‌هایی پی برد هجویری جوانمرد را انسانی معرفی نموده که در سه بعد الهی، اجتماعی و فردی وظایفی بر عهده دارد که لازم است آن وظایف را به نحو احسن به انجام برساند. در طبقات الصوفیه نیز وظایف جوانمرد در ارتباط با خدا، خلق خدا و در ارتباط با خویش به تصویر کشیده شده است که می‌توان چنین استنباط کرد که خواجه عبدا... در این توصیف یا تحت تاثیر هجویری بوده و یا حداقل با هجویری در این زمینه هم عقیده بوده است. لازم به یادآوری است که متون نثر عرفانی قرون اولیه بیشتر به تعاریف و مباحث نظری مربوط به فتوت توجه نشان داده‌اند. غیر از رسالهٔ قشیریّه که تشخص خاصی به فتوت بخشیده و بابتی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده است. طبقات الصوفیه نیز از این موضوع مستثنی نیست و به طور جداگانه به موضوع فتوت پرداخته است.

در رسائل خواجه عبدالله نیز مانند اکثر متون نثر عرفانی که تاکنون مورد نقد و بررسی قرار

گرفته به مسائل مختلف جوانمردان توجه نشده و فقط به تعریفی مختصر بسنده شده که چندان تفاوتی با تعاریف کتب دیگر عرفانی ندارد و تنها به جنبه‌های عمومی خصلت جوانمردان، یعنی: بخشش و ایثار و فداکاری اشاره شده است. در قسمتهایی دیگر از کتاب رسائل نیز مطالبی در ارتباط با جوانمردان آمده که از لحاظ شباهت دیدگاه خواجه عبدا... با دیدگاه شیخ ابوالحسن خرقانی قابل تأمل است. تشابه دیدگاه خواجه عبدا... و شیخ ابوالحسن خرقانی نیز امری بدیهی است زیرا که خرقانی یکی از پیران و استادان خواجه عبدا... بوده و تأثیری شگرف و بس عمیق در روحيات معنوی وی داشته است.

در کتاب **تمهیدات** هیچ تعریف خاصی از فتوت و جوانمردی بیان نشده ولی در بعضی از موضوعات به واژه فتوت و جوانمردی اشاره شده که می‌تواند راهگشای ما در ارتباط با نوع نگرش عین القضاة به موضوع فتوت و جوانمردی باشد. عین القضاة در توصیفات خود از فتوت، خواننده را به ابتدای خلقت می‌کشاند و دو شخص را در قبول فتوت و جوانمردی شریک می‌پندارد که هر دو، هر چه می‌کند مخالف هم‌دیگر قرار دارند؛ حال آنکه هر دو فتنی محسوب می‌شوند چرا که مردانه در مقابل انواع بلاها و آلام و رنج‌ها ایستاده‌اند. هر چند مقصود عین القضاة در بیان این مطالب، معرفی شخصیت جوانمردان نبوده ولی ناخودآگاه مهمترین اصل فتوت که همانا تسلیم و رضا در برابر اراده پروردگار است، در خلال این گفتارها گنجانده شده است این موضوع از جمله مهمترین اصول جوانمردی و نشانگر روابط جوانمرد با خداست که در متون عرفانی دیگر نیز به صورت‌های گوناگون بر آن تأکید شده است. در خصوص رویکرد کتاب تمهیدات نسبت به موضوع فتوت باید گفت هر چند عین القضاة تلویحاً معنا و مفهوم فتوت را در معنای اصیل و ناب آن مطرح نموده ولی چون مستقیماً نظر شخصی خود و یا دیگران را در مورد واژه فتوت بیان نکرده می‌توان چنین استنباط کرد، تمهیدات در مقایسه با متون دیگر عرفانی در خصوص فتوت تقریباً سکوت اختیار کرده است.

در کتاب **کشف الاسرار** نیز مانند سایر کتب عرفانی به جنبه‌های عمومی اهل فتوت اشاره شده، مانند: راستگویی، وفاداری، امانت داری، دل‌رحمی، کمک به تهیدستان، بخشش و گذشتن از مال و جان. در این کتاب نیز مسائل اجتماعی و آداب و رسوم فتیان مسکوت گذاشته شده و نویسنده فقط به تعاریف و مباحث نظری بسنده نموده است.

در توصیفاتى که در کتاب **عوارف المعارف** تحت عنوان مکارم اخلاق آمده، سه‌روردی فتوت و جوانمردی را شاخه‌ای اصیل از تعلیمات ناب دین اسلام و سنت رسول (ص) تلقی نموده و

معتقد است که اهل فتوت همان انسان‌های متدین و عابدی هستند که رهرو سنت رسول (ص) و اهل بیت می‌باشند. در این کتاب نیز نویسنده فقط به توصیفی از فتوت و جوانمردی بسنده نموده و در مورد مسائل مختلف اجتماعی و آداب و رسوم سکوت اختیار کرده است.

در کتاب **اسرار التوحید** به دو موضوع اساسی اهل فتوت که یکی بخشش و دیگر خیرخواهی است توجه نشان داده شده است، در نگاه عرفا هدایت انسانها به سوی خداوند به دو صورت انجام می‌پذیرد: یکی کشش از جانب حق تعالی و دوم کوشش بندگان برای رسیدن به پروردگار که میان این دو تفاوت وجود دارد؛ نکته‌ای که در این کتاب در مورد جوانمردان جلب نظر می‌کند این است که به عقیدهٔ شیخ ابوسعید اهل فتوت در سایه عنایت خاص حق تعالی قرار دارند و چون خداوند به آنان نظر نموده، پس فتوت را به ایشان عنایت نموده تا ایشان را به خود نزدیکتر سازد. پس فتوت نوعی ودیعه الهی است که در وجود بعضی از بندگان خاص قرار گرفته است.

در بررسی و مقایسه **تذکرة الاولیاء** با کتب دیگر نثر عرفانی باید اذعان نمود که در این کتاب مطالب نسبتاً بیشتری در مورد فتوت و جوانمردی به چشم می‌خورد مخصوصاً در مقایسه با **اسرار التوحید** و تمهیدات که حاوی کمترین مطالب در این مقوله هستند اما در تعاریفی که در **تذکرة الاولیاء** از قول مشایخ صوفیه بیان گردیده نکات مختلفی وجود دارد؛ از جمله اینکه نوع ارتباط جوانمردان را با مردم اعم از تهیدستان و توانگران می‌نمایاند. در مواردی نیز به موضوع فتوت با دیدگاهی کاملاً دینی و اعتقادی نگریسته شده است

در مورد صفاتی که در **متون نثر عرفانی** تا پایان قرن ششم به عنوان ویژگی‌های جوانمردان و اهل فتوت یاد شده می‌توان به این صفات اشاره نمود که عبارتند از: توکل بر خدا، بندگی خالصانه خدا، یاد خدا، معرفت قلبی، رضا و تسلیم، حقیقت جویی و حق طلبی، خلوص نیت، مراقبه نفس، علم جویی، بلند نظری، صبر، ایثار، تواضع، وفاداری، سخاوت، شفقت، عطا و بخشش، راستگویی، میهمان نوازی، صلح رحم، امانت داری، تحمل اذیت‌ها و آزارها، صحبت با نیکان، دوری از خشم و غضب، سعه صدر، ترک تکبر، ترک خصومت، چشم پوشی از خطای دیگران، عدم تفاخر، پنهان نمودن عیب مردم، احتقار نفس و احترام خلق، عدم انصاف طلبی و عدم برتری جویی. از میان صفاتی که ذکر گردید ویژگی‌ها و صفات ارزشمند ذیل بیشترین توجه نویسندگان متون نثر را به خود جلب نموده و ایشان این صفات و خصوصیات را به عنوان مهمترین ویژگی اهل فتوت عنوان نموده‌اند که عبارتند از:

توکل بر خدا، عطا و بخشش، صبر و استقامت، دوری از غلبه و غلبه شدن، ایثار و فداکاری

خلوص نیت رضا و تسلیم در برابر اراده الهی.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که به جز متون نثر عرفانی که در این مقاله از آن یاد کردیم، سایر متون نثر عرفانی نیز که تا پایان قرن ششم هجری تألیف یافته اند، مورد بررسی قرار گرفتند. اما حاوی نکات خاصی در باب تعریف و توصیف فتوت نبودند؛ پاره‌ای از مهمترین این آثار عبارتند از: سوانح العشاق احمد عزالی، المعارف بهاء ولد، حالات و سخنان شیخ ابراهیم ابراهیم، شرح التعرّف مستملی بخاری، دو رساله عرفانی: (رساله آداب المریدین و رساله السائر الحائر للولید) از نجم الدین کبری، تحفه البررة فی المسائل العشرة، از مجدالدین بغدادی، آداب السماع و مناهج العارفين از ابو عبد الرحمن سلمی نیشابوری و...

نتیجه گیری

آئین فتوت و جوانمردی به عنوان طریقه‌ای برای رسیدن به حق و حقیقت، در متون نثر عرفانی جلوه‌های گوناگونی یافته است و هر یک از نویسندگان از دیدگاه خود به این موضوع پرداخته‌اند. بیشتر نویسندگان کتب عرفانی، خودصوفی، مفسّر، عالم، عارف و اهل سیر و سلوک معنوی‌اند. از آنجا که فتوت نیز طریقه‌ای برای سیر در عالم بالا و نیل به مقصود ازلی است، همواره نظر عالمان و عارفان را به خود جلب کرده است. نویسندگان متون نثر عرفانی به عنوان انسان‌هایی حقیقت جو، همواره فتوت را ارج نهاده و در اقوال خود زوایای مختلف آنرا نمایانده‌اند. مهمترین ویژگی‌هایی که در متون نثر عرفانی برای اهل فتوت عنوان گردیده، ایشار، از خود گذشتگی و بخشش مال و جان در راه دیگران است. با توجه به این توصیفات می‌توان چنین استنباط نمود که معنای واقعی فتوت: خود را ندیدن و تنها خدا را دیدن است و کسی که به این مقام برسد در واقع به خدا رسیده است. به غیر از کتاب الفتوة به عنوان کتاب اختصاصی اهل فتوت، بیشترین مطالب در رابطه با موضوع جوانمردی در کتاب نور العلوم و کمترین آنها در کتاب تمهیدات عین القضاة همدانی به چشم می‌خورد.

در مورد دیدگاه شخصی نویسندگان کتب نثر عرفانی نسبت به موضوع فتوت نمی‌توان اظهار نظر دقیقی بیان نمود زیرا تعاریفی که در بیشتر این کتابها در مورد فتوت آمده، جنبه نقل قول دارد و کمتر اتفاق افتاده که نویسنده نظر شخصی خود را بیان کند، الا چند مورد معدود که در آنها به آیات قرآنی، بویژه ماجرای اصحاب کهف استناد جسته‌اند و به توضیح آن پرداخته‌اند. مسئله فتوت، بویژه از آنجا که در آیات مختلف قرآن بدان اشاره شده، آشکارتر و روشن تر از آن است که نیاز به شرح و تفسیر فراوان داشته باشد و آیات قرآنی خود نقطه اتکایی بوده که مؤلفین

متون نثر برای بیان ارجمندی طریقت فتوت همواره بدان تکیه داشته‌اند. در مورد طرز نگرش این آثار به موضوع فتوت باید گفت که برخی از آثار مانند: رسالهٔ قشیریته نسبت به اهل فتوت دیدگاهی واقع‌گرایانه دارند؛ به عبارتی دیگر ایشان فتیان را با همان صفات عمومی و اصطلاحی که در فرهنگ‌های لغت آمده معرفی نموده و تقریباً چهره‌ای ملموس از آنان را ارائه نموده‌اند و برخی از کتابها نیز مانند: نورالعلوم شخصیتی بسیار خاص و دست‌نیافتنی از جوانمردان را ترسیم کرده‌اند.

از این تحلیل می‌توان دریافت که نویسندگان کتب نثرعرفانی بیشتر به جنبه‌های فردی و الهی و تا حدی نیز به جنبهٔ اجتماعی اهل فتوت اعتنا نموده‌اند و فتیان در کتب ایشان شباهت فراوانی با عرفا دارند. در واقع ایشان تندیسی از اهل فتوت را که دارای تمام فضائل اخلاقی نیک و پسندیده است ساخته و پرداخته و به نمایش گذاشته‌اند. مطلب دیگر آنکه به علت وجود ویژگی‌های خاص متون نثر عرفانی که تأثیر پذیرفته از اعتقاد صوفیانه است، لاجرم مسلک فتوت نیز در این کتب از آن حال و هوای زنده و پویا و اجتماعی خود که در آثاری مانند قابوسنامه با آن روبرو می‌شویم اندکی فاصله گرفته و رنگ و بویی از تصوف را به خود گرفته است. با این حال مبانی اصلی فتوت همچون: ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی و بخشش مال و جان در راه برادران، همچنان در کتب نثر عرفانی نیز به عنوان مهمترین ویژگی‌های اهل فتوت عنوان گردیده که حاکی از تشخیص ذاتی این آیین و پویایی و تحرکی است که همواره در وجود فتیان جاری بوده است.

منابع

قران کریم

ابن معمور حبیلی بغدادی، محمد () کتاب الفتوه، با مقدمهٔ استاد مصطفی جواد، بغداد: مکتبه المثنی.

ابن منظور () لسان العرب، الجلد الخامس العشر، قم: نشر ادب الحوزه.

ابن منوره مهنی محمد () اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، جلد اول، تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی

کدکنی، چاپ چهارم، تهران: آگاه

ابو نصر سراج طوسی () اللمع فی التصوف، ترجمه دکتر مهدی محبتی؛ چاپ اول، تهران: اساطیر.

اربابی، علی () آیین پهلوانی، جوانمردی و عیاری، چاپ اول، تهران: زوآر.

افشاری، مهران () آیین جوانمردی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بهائوی، محمد بن علی () کشف اصطلاحات الفنون، جلد دوم، تهران: خیام.

خرقانی، ابوالحسن () احوال و اقوال ابوالحسن خرقانی به ضمیمه منتخب نورالعلوم، تصحیح مجتبی مینوی،

چاپ سوم، تهران: طهوری.

حواجه عبدالله انصاری هروی () منازل السائرین، ترجمه دکتر عبدالغفور روان فرهادی، چاپ اول، تهران: انتشارات مولی.

(رسائل، تصحیح وحید دستگردی، چاپ سوم، تهران: چاپخانه شرق.

(صدمیدان، تصحیح قاسم انصاری، چاپ هفتم، تهران: طهوری.

(طبقات الصوفیه، تصحیح محمد سرور مولایی، چاپ دوم، تهران: توس.

دهخدا، علی اکبر () لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سلمی نیشابوری، ابو عبدالرحمن () مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی نیشابوری، جلد دوم و سوم، تصحیح نصرآ... پورجوادی، چاپ اول، تهران: نوبهار.

سهروردی، شهاب‌الدین عمو () عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور عبدالرحمن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

صراف، مرتضی () رسائل جوانمردن مشتمل بر هفت فتوت نامه، چاپ اول، تهران: چاپخانه پیکان.

عظمت نیشابوری، فیدالدین () تذکره الاولیاء، تصحیح رینولد نیکلسون، چاپ اول، تهران: اساطیر

عین القضاة همدانی، عبد... بن محمد () تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، تهران: کتابخانه منوچهری

عین القضاة همدانی، عبد... بن محمد () نامه‌های عین القضاة، به اهتمام علینقی منزوی و عقیف عسیران، چاپ سوم، تهران: اساطیر

قتیری، ابوالقاسم () ترجمه رساله قشیریته، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

کاظمینی، کاظم () نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ، چاپ اول، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.

کربن، هانری () آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، چاپ اول، تهران: سخن.

مؤتذن جلمی، محمد مهدی () ادب پهلوانی، چاپ اول، تهران: ققنوس.

میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین () کشف الاسرار وعده الانبار، جلد دوم، چهارم و پنجم، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

نقیسی، سعید () سرچشمه تصوف در ایران، چاپ دوم، تهران: اساطیر.

هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان () کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، چاپ ششم، تهران:

سروش